



ما چو ایمان کدمت اسلام زده‌ری انانم خمنه شستیم



پیش‌نویس حکومت جهانی موعود

منازه اسکندری

اشاره:

انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی، انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی است که وسیع‌ترین و اساسی‌ترین انقلاب‌های انسانی در طول تاریخ بشر است. انقلابی که عمومی، همگانی و جهانی است و تمام شئون و جوانب زندگی انسان‌ها را شامل می‌شود. در این میان انقلابی که بیش از هر انقلاب دیگری در مسیر انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) ولو در سطح منطقه‌ای و ملی قدم نهاده است، انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران نمونه و الگوی بسیار کوچکی از حکومت عدل و داد حضرت مهدی (عج) است. مبانی فکری و نظری، اهداف و عوامل ایجاد کننده انقلاب، رهبری و چشم انداز آینده آن چیزی است که این دو انقلاب را بیش از پیش به هم شبیه می‌سازد و انقلاب اسلامی ایران در جایگاه نمونه کوچکی از انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) مطرح می‌گردد.

علت وقوع انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) و انقلاب اسلامی ایران

استاد شهید مطهری می‌گوید: «اصولاً هر انقلابی معلول یک سلسله نارضایتی‌ها و

انقلاب اسلامی ایران در تناسب کامل با انقلاب مهدوی در مسیر صحیحی حرکت می‌کند.

ناراحتی‌هاست. یعنی وقتی مردم از وضع حاکم ناراضی باشند و آرزوی وضع مطلوب کنند، زمینه انقلاب به وجود می‌آید.^۱ در جهان امروز بحران‌های کنونی زائیده نظامات کنونی است و این نظامات از حل بحران‌ها عاجزند و مردم جهان باید به قدر کافی تلخی این وضع نابسامان و بی‌عدالتی‌ها را درک کنند. مردم دنیا باید این حقیقت را بیابند که تنها در سایه اصول و پیوندهای مادی و ضمانت اجرایی موجود و مقررات خود ساخته انسان‌ها و پیشرفت‌های تکنولوژی بدون سایه سلسله‌ای از اصول معنوی و انسانی، مشکل جهان حل نمی‌شود؛ بلکه مشکلات هر روز متراکم‌تر و به گونه کلاف سردرگمی پیچیده‌تر می‌گردد. بالاخره مردم جهان باید تشنه شوند و تا تشنه نشوند به سراغ چشمه‌های آب نمی‌روند.^۲ در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران باید اذعان کرد علت مبارزه با رژیم شاه، ناشی از نارضایتی مردم از رژیم طاغوت حاکم بوده است و این تحولات در برهه‌ای اتفاق می‌افتد که نه اثری از «مدرنیزاسیون» یا «اسلام‌زدایی» بود و نه «پشت نمودن به اسلام» یا ظهور «بحران اقتصادی». ریشه این نارضایتی را بایستی در سرشت سیاسی آن رژیم جستجو نمود. از یک سو برخی از نمودهای ترقی و پیشرفت اقتصادی به چشم می‌خورد و از سوی دیگر در حوزه ساختار سیاسی، کمتر تحول مؤثری در آن صورت گرفته بود و فی‌الواقع ایران مدرن محمدرضا شاه در آستانه «دروازه‌های تمدن بزرگ» در مقایسه با ایران عقب مانده ناصرالدین شاه یکصد سال قبل از آن تفاوت چندانی نکرده بود. به این ترتیب عوامل اصلی حرکت و اعتراض علیه نظام قاجار در قالب نهضت مشروطه باعث پیدایش انقلاب اسلامی در عصر پهلوی شد.^۳

بدین ترتیب نارضایتی مردم از وضع موجود را می‌توان علت مشترک انقلاب جهانی مهدوی و انقلاب اسلامی ایران دانست که همین امر به دو انقلاب، شکلی مردمی بخشید.

مبانی فکری و نظری انقلاب

تجربه تاریخی انقلاب‌های مهم دنیا مؤید آن است که قبل از وقوع هر انقلابی، باید طی یک تأمل نظری و فلسفی، ضمن طرد و نفی نظام موجود، یک مکتب فکری جدید به وجود آید که تعریف جدیدی از جایگاه انسان و جامعه ارائه دهد. پس بر مبنای مکتب فکری جدید، یک نظام سیاسی - اجتماعی ایده‌آل طراحی می‌گردد تا پس از پیروزی انقلاب مبنای مهندسی اجتماعی قرار گیرد.^۴

انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن، اسلام و ارزش‌های اسلامی است و انقلاب و مبارزه صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد. مبانی فکری یک انقلاب مبتنی بر اسلام

می‌بایست مقبولیت مردمی و پایگاه اجتماعی پیدا کند و ضمن نفی اساس سلطنت، در مبانی اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های رقیب نیز خلل وارد کند و ضعف و کاستی‌های آن‌ها را نشان بدهد. در بعد ایجابی می‌باید نظام مطلوب آینده را ترسیم کند و راه رسیدن به آن را ارائه دهد و در واقع طرحی برای زندگی در عصر نوین را داشته باشد.^۵ در خصوص مبانی فکری انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) باید اذعان کرد «با وجود اینکه این انقلاب هنوز



به وقوع نپیوسته، اما آینده جهان به دلایلی روشن دیده می‌شود که این ادله عبارتند از سیر تکاملی جامعه انسانی و هماهنگی با نظام عموم آفرینش، الزام‌های اجتماعی و فطری و صلح و عدل جهانی.^۶ تصور این که جهانی به وجود آید خالی از تبعیض‌ها و اختلاف‌های طبقاتی و جدایی‌ها و پراکندگی‌ها، خالی از جنگ و خونریزی تجاوز و خالی از ناله‌های محرومان به زنجیر کشیده شده، بسیار دل‌انگیز و نشاط آفرین است که در اصل مبنای اندیشه و تفکر انقلاب مهدوی را روشن می‌کند.

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران نمونه کوچکی از انقلاب جهانی مهدوی است، مبانی فکری و تحولات و نتایج این

طرف یک قرن اخیر کمتر جنبش و حرکت توده‌ای را می‌توان پیدا نمود که به گونه انقلاب ایران با مذهب عجین شده باشد.

انقلاب در ابعاد اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اجتماعی به خوبی نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی ایران در تناسب کامل با انقلاب مهدوی در مسیر صحیحی حرکت می‌کند. «وجه

تمایز اصلی انقلاب اسلامی از سایر جنبش‌های سیاسی معاصر ایران نیز در مکتب فکری نوین و تأمل نظری و فلسفی است که انقلاب ایران در حوزه اندیشه و تفکر ایجاد کرد، تأمل نظری که تحول بی‌سابقه‌ای در تاریخ اندیشه سیاسی شیعه است.»^۷

ماهیت انقلاب اسلامی

در بررسی تطبیقی نسبت‌های انقلاب اسلامی ایران با انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)، در ابتدا این سؤال مطرح می‌شود که اساساً ماهیت این دو انقلاب چیست؟ آیا ماهیت آنها طبقاتی، لیبرالیستی است و یا ایدئولوژیکی و اعتقادی و اسلامی؟ «در مرحله پیروزی انقلاب، عامل اصلی؛ مذهب (فرهنگ و تاریخ شیعه) است، اگر چه مردم و رهبری در پیروزی نقش مهمی دارند؛ ولی نقش آنها را نیز باید در مذهب جستجو کرد.»^۸ چارچوب مذهبی بودن هویت و ماهیت انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) آشکار است، زیرا این انقلاب ادامه دهنده انقلاب صدر اسلام توسط نبی مکرم (ص) است.

انقلاب ایران، به اعتراف بسیاری یک انقلاب مخصوص به خود است، یعنی برای آن نظیری در دنیا نمی‌توان یافت و منحصر به فرد بودن این انقلاب امری پذیرفته شده است. استاد شهید مطهری

می‌فرماید: «این انقلاب

اسلامی بوده که برخی فکر می‌کنند منظور از اسلام همان معنویتی است که در ادیان دیگر از جمله اسلام وجود دارد، ولی اسلام معنویت محض، آنچنان که غربی‌ها درباره مذهب می‌اندیشند، نیست. این حقیقت نه تنها درباره انقلاب فعلی، بلکه در مورد انقلاب صدر اسلام نیز صادق است که در همان حال که انقلابی مذهبی و اسلامی بود؛ سیاسی، اقتصادی و مادی بود و هیچ یک از ابعاد اشاره شده، بیرون از اسلام نیستند. راز موفقیت نهضت ما در

این است که نه تنها به عامل معنویت تکیه داشته، بلکه عامل مادی و سیاسی نیز با اسلامی کردن محتوای آنها را در خود قرار داده است.»^۹

در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران و هویت مذهبی آن به جرأت می‌توان ادعا کرد که نه تنها هیچ یک از انقلاب‌های مدرن مذهبی نبوده‌اند (انقلاب

انقلاب اسلامی ایران که ادامه دهنده مسیر نبی مکرم اسلام (ص) است، اهداف و آرمان‌هایی را برگزیده که بیش از پیش بر خورنداری این انقلاب از تجلی انوار سازنده انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) را می‌سازد.

کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر روسیه و انقلاب‌های کوبا و چین اساساً ضد مذهبی بوده‌اند) بلکه ظرف یک قرن اخیر کمتر جنبش و حرکت توده‌ای را می‌توان پیدا نمود که به گونه انقلاب ایران با مذهب عجین شده باشد.^{۱۰}

مسئله رهبری انقلاب جهانی موعود و انقلاب اسلامی ایران

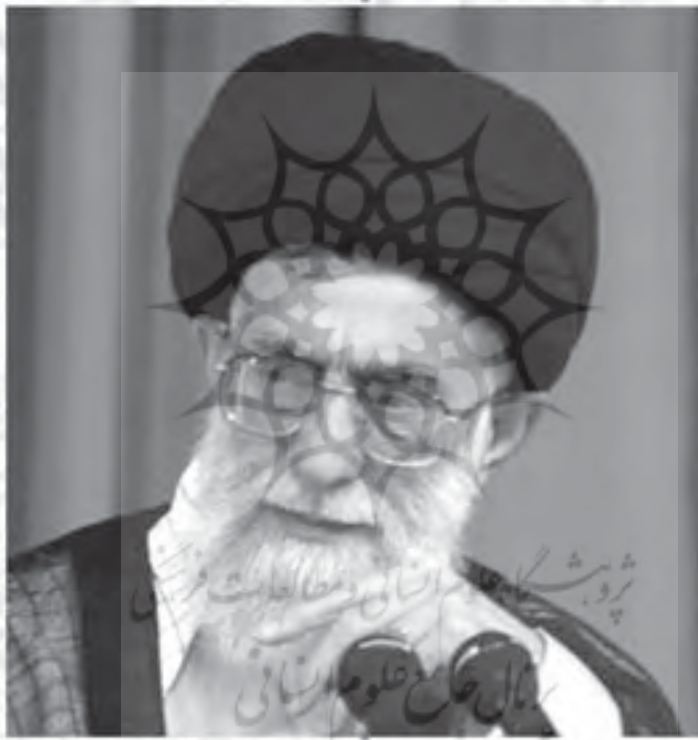
چگونه می‌توان ثابت کرد این انقلاب، انقلابی اسلامی بوده و هویت دیگری نداشته است؟ یکی از راه‌های شناخت انقلاب،

بررسی کیفیت رهبری آن انقلاب و نهضت است. هویت دینی انقلاب اسلامی بر همگان محرز و مسلم است. تجلی این هویت را می‌توان در رهبری، آرمان‌ها، اهداف، شعارها و نقطه‌های اوج انقلاب مشاهده کرد.^{۱۱}

امام یا رهبر انقلاب توحیدی، باید جامع کمالات و فضایل باشد تا بتواند از عهده مسئولیت هدایت و تعالی بخشیدن مردم برآید. حکومت و رهبری در نظام اسلامی، برخلاف بسیاری از نظام‌های

تاریخ بشر، نظام مسئولیت است؛ نه نظام حقوق و سلطه. سهم رهبری انقلاب در طول سهم خداوند متعال است؛ چون سهم خداوند هدایت و ارشاد و آموزش حکمت و فضائل و پرورش مکارم اخلاقی است. کار رهبری جز همین امور در جهت میسر ساختن مسیر تعالی مردم نیست.^{۱۲}

اسلام که ضامن سعادت ابدی انسان است، ضامن تحقق عینی جامع و مانع ایده‌آل‌های متعالی فطری _ الهی انسان است و بدیهی است که تحقق مدینه فاضله تنها با ظهور حضرت مهدی (عج) ممکن خواهد شد. رهبری انقلاب جهانی آخر الزمان به دست مهدی موعود (عج) است و آیات قرآن^{۱۳} نیز خبر از مصلح بزرگ جهان یعنی خبر از تحقق یک حکومت عدل جهانی در





سایه ایمان می‌دهد.

رهبری جهانی باید عظمتی داشته باشد که فقط در امام زمان (ع) محقق است. امام خمینی (ره) درباره عظمت مقام صاحب الزمان (ع) به شامل بودن مفهوم عدل در زمان ظهور اشاره کرده و می‌فرماید: «قضیه غیبت حضرت صاحب، قضیه مهمی است که به ما مسائلی را می‌فهماند، من جمله اینکه برای اجرای عدالت در تمام دنیا، در تمام بشر نبوده کسی الا مهدی (عج) که خدا او را برای بشر ذخیره کرده... آن کسی که به این معنا موفق خواهد شد و عدالت را در تمام دنیا اجرا خواهد کرد، نه آن هم عدالتی که مردم عادی می‌فهمند، بلکه عدالت در تمام مراتب انسانیت؛ تنها حضرت صاحب (ع) است.» سخنان امام خمینی نشان می‌دهد که امام زمان (عج) در برنامه کار خود از این نقطه زیر بنایی و مهم که همان انسان سازی و جهاد اکبر برای همه مردم است شروع می‌کند، زیرا تا انسان‌ها ساخته نشوند، جامعه بنیاد صحیح نخواهد یافت.

ارائه نظریه ولایت فقیه و بایستگی حکومت برای فقیهان در زمان غیبت امام عصر (عج) و مؤلفه‌های دیگری از جمله مسئله انتظار و تشکیل حکومت اسلامی باعث شد که امام خمینی (ره) رهبری قیام اصلاح طلبانه را بر عهده گرفت. «همین ولایتی که برای رسول اکرم (ص) و امام در تشکیل حکومت و اجرا و تصدی هست، برای فقیه هم هست».^{۱۴}

اهداف انقلاب اسلامی در مسیر جهانی و ملی

انقلاب اسلامی ایران که ادامه دهنده مسیر نبی مکرم اسلام (ص) است، اهداف و آرمان‌هایی را برگزیده که بیش از پیش برخوردار این انقلاب از تجلی انوار سازنده انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج) را میسر می‌سازد. «بزرگترین هدف و دستاورد انقلاب اسلامی ایران تجدید حیات اسلام و احیاء دینی و اخلاقی و فرهنگی و معنوی بوده است».^{۱۵} اما دیگر اهداف انقلاب ایران عبارتند از: ۱. اضمحلال رژیم ستمشاهی ۲. تشکیل حکومت اسلامی ۳. احیای عدالت اجتماعی ۴. استقلال و آزادی.

پیروزی چگونه صورت می‌گیرد؟

از مسائل عمده فلسفه انقلاب اسلامی چگونگی پیروزی مردم بر نیروهای محافظ رژیم طاغوت است. پیروزی تابع چند شرط است: ۱. تعالی اشخاص ۲. کثرت اشخاص تعالی یافته ۳. تقویت روحیه جهاد و فداکاری یا شهادت ۴. انضباط و تبعیت از رهبری ۵. بر هم خوردن تناسب نیروی ایمان و نیروی کفر ۶. حُسن رهبری و اداره مبارزه. خداوند متعال همین شروط را برای نیروی اسلام فراهم آورد. انقلاب نبی اکرم (ص) در صدر اسلام به گونه‌ای بود که خداوند تأسیس دولت اسلام را چندان به تأخیر می‌اندازد تا مسلمانان به کثرت لازم برسند.^{۱۶}

در آخر الزمان وقتی عدد مؤمنان مجاهد به ۳۱۳ نفر برسد، امام ظهور می‌فرماید. به این معنا که هرگاه تناسب نیروها (نیروی ایمان و کفر) چنان شود که امکان پیروزی بر کفر قطعیت یابد، امام قیام خواهد فرمود. با وجود اینکه انقلاب اسلامی ایران مقیاس کوچکی از انقلاب صدر اسلام و انقلاب جهانی مهدوی است، اما تحقق شش شرط مذکور در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ نیز به گونه‌ای بی‌نظیر، مؤید این مطلب است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ایدئولوژی رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی تبیین انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۱۳۰.
۲. آیت الله ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۲۴۲ - ۲۴۳.
۳. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن: مجموعه مقالات (۱)، مقایسه‌ای تطبیقی پیرامون نظریه‌های مختلف در تبیین علل وقوع انقلاب اسلامی در ایران، ص ۱۰۹ - ۱۱۰.
۴. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن: مجموعه مقالات (۱)، تحولات فکری ایران و اندیشه انقلاب اسلامی، ص ۲۲۸ - ۲۲۹.
۵. همان، ص ۲۳۰.
۶. آیت الله ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۱۷ - ۴۸.
۷. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن: مجموعه مقالات (۱)، تحولات فکری ایران و اندیشه انقلاب اسلامی، ص ۲۲۹.
۸. ایدئولوژی رهبری و فرآیند انقلاب اسلامی: مجموعه مقالات، حدود تأثیرپذیری انقلاب اسلامی از فرهنگ و تاریخ شیعه، ج ۲، ص ۱۲۷.
۹. شهید مرتضی مطهری، یادداشت‌ها و سخنرانی‌ها پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۳۹ - ۴۱.
۱۰. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن: مجموعه مقالات (۱)، مقایسه‌ای تطبیقی پیرامون نظریه‌های مختلف در تبیین علل وقوع انقلاب اسلامی، ص ۸۹.
۱۱. انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن: مجموعه مقالات (۲)، نهاد مرجعیت در دوران نهضت و نظام، ص ۲۵۳ - ۲۵۴.
۱۲. همان، ص ۳۷۷ - ۳۷۹.
۱۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵ و ۱۰۶.
۱۴. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۷.
۱۵. جرعه جاری: سسی مقاله پژوهشی پیرامون انقلاب اسلامی، ارزیابی آثار و نتایج انقلاب اسلامی، ص ۳۹۴.
۱۶. جلال الدین فارسی، فلسفه انقلاب اسلامی، ص ۳۶۳ - ۳۶۴.